

KAFISHOT

كافشات





حسین
کریمزاده

مدیر وبسایت
@hosseinkarimzadeh.art



انوشه
صادقی آزاد

طراح گرافیک
@anooshehsa



حسن
کریمزاده

مدیر هنری
@hassanland



نادر
داودی

سرمدبیر
@naderdavoodi



بهمن ۱۴۰۳



STORY MATTERS

ART | FOOD | LIFE | STYLE

دانلود رایگان تمام شماره‌های کافی‌شات
از طریق زبانه‌ی پستو ممکن است.

مطالب خود را به صفحه‌ی اینستاگرام کافی‌شات پیشنهاد دهید.
نوشته‌ی شما نباید بیشتر از ۱۰۰ کلمه باشد.

با تشکر از
افشین معاریان، هومن حمدان، محمد و مهدی حاجی‌خانی و مینا هاشمی



HIGH.GRAPHIC STUDIO @

03

فرمول یک

31

5

سرمقاله

انیمیشن

35

6

گزارش جلد

زندگی

39

13

داستان

سفر

41

15

قهوه‌خانه

موسیقی

47

19

کافی‌شاپ

فیلم و سریال

51

23

کتاب

موزه

55

26

معماری

G





KITCHEN ROSE
isn't a product, It's a Lifestyle

📷 [kitchenrose.co](https://www.kitchenrose.co)

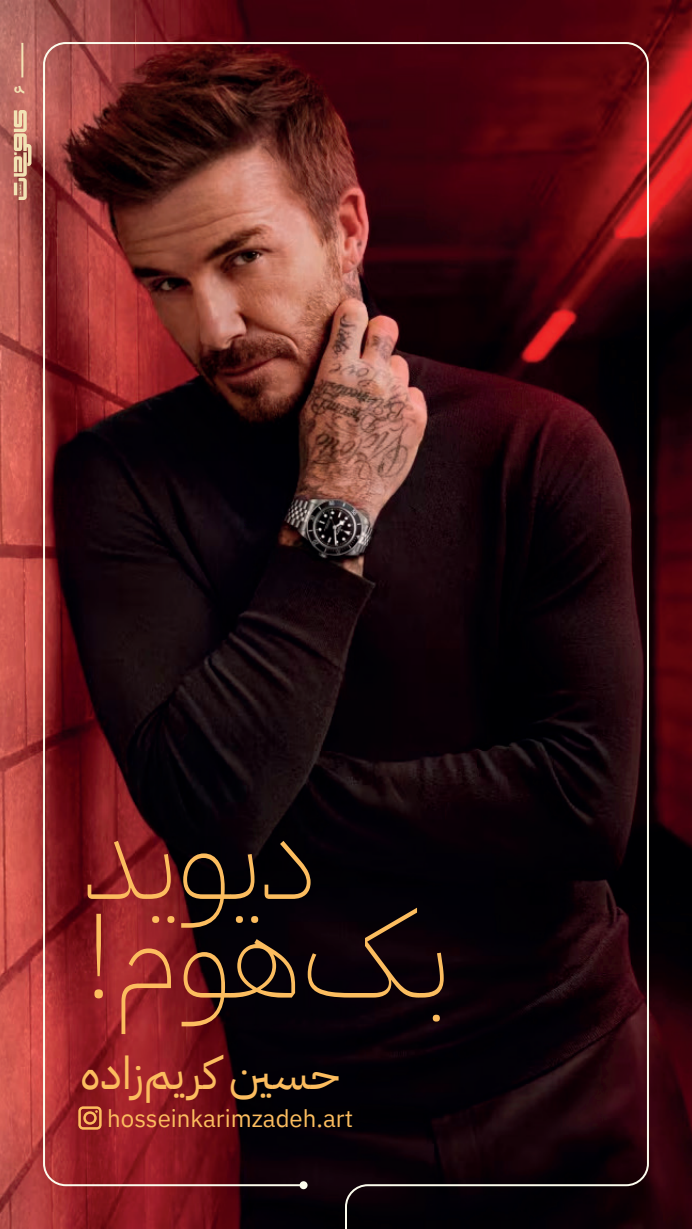


کوتاه‌نویسی

نادر داودی

📷 naderdavoodi

از ناصرالدین‌شاه نقل می‌کنند که در مواجهه با روزنامه‌های عصر آغاز مطبوعات در ایران گفته بود که «روزنامه‌ها باید کوتاه بنویسند». انگار رشد رسانه‌های الکترونیکی مجازی، ذائقه‌ی مردم را به سمت سلیقه‌ی ناصری سوق داده است. جوان امروز همان قدر که کمتر سخنرانی گوش می‌کند، کمتر نشریات را مطالعه می‌کند. حواس دیگر ما مانند بینایی، دستورات سریع‌تر توام با درک آنی را به مغز منتقل می‌کنند. این البته حاصلی جز عکس‌العمل‌های سریع و استنتاج‌های انفعالی در پیش ندارد، اما شیوه‌ی جدیدی است از ارتباط. چنانکه محاوره‌ی جوان‌ها مبتنی بر کوتاه‌گویی، متلک و استعاره شده و به اشاره‌ی پلکی، نقل معانی می‌کنند.

A portrait of a man with short, styled brown hair and a light beard. He is wearing a dark, long-sleeved shirt and a silver watch with a black dial. His right hand is raised to his chin, showing several tattoos. He is leaning against a wooden wall with a warm, reddish-brown lighting. The background is dark and out of focus.

دیوید بک هوم!

حسین کریمزاده

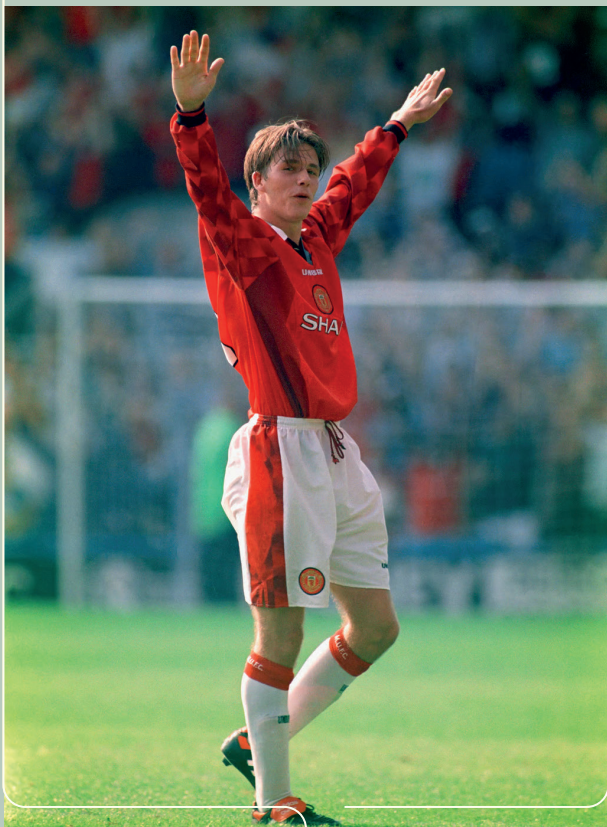
 [hosseinkarimzadeh.art](https://www.instagram.com/hosseinkarimzadeh.art)



سر الکس فرگوسن: «متوجهی خنده‌ی تلخ دیوید بکهام شدم و لنگه‌کفشی به سوی او پرتاب کردم که باعث پارگی ابرویش شد. این حادثه و متعاقب آن، جدایی دیوید بکهام را، تلخ‌ترین خاطره‌ی دوران حضور بیست‌وهفت‌ساله‌ام در منچستر یونایتد می‌داند.»

دیوید بکهام، ملی‌پوش سابق فوتبال انگلیس، متولد دوم می ۱۹۷۵ (۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۴) است و به خاطر دقت پاس، کیفیت سانترها و ضربات آزادش شهرت دارد. بکهام که به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین هافبک‌های نسل خود

شناخته شده، ۱۹ جام بزرگ را در دوران حرفه‌ای خود به دست آورده و اولین بازیکن انگلیسی است که مقام قهرمانی لیگ را در چهار کشور انگلیس، اسپانیا، ایالات متحده و فرانسه کسب کرده است.







یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در دوران حرفه‌ای او، اخراج در دیدار حیثیتی مقابل آرژانتین در جام جهانی ۹۸ بود که به علت درگیری با دیه‌گو سیمئونه رخ داد و تا مدت‌ها توسط طرفداران فوتبال در انگلیس مورد آزار و اذیت روحی قرار گرفت و در انگلیس معروف شد به David Backhome.

دوران حرفه‌ای باشگاهی بکهام با منچستر یونایتد آغاز شد، جایی که او اولین بازی خود را در سال ۱۹۹۲ و در سن ۱۷ سالگی انجام داد. دیوید بکهام با یونایتد، ۶ قهرمانی لیگ برتر، ۲ اف‌ای‌کاپ، ۴ سوپر جام انگلیس، یک جام بین‌قاره‌ای و یک لیگ قهرمانان اروپا را به دست آورد.





دیوید، یک قهرمانی لالیگا و یک سوپر جام اسپانیا با رئال مادرید، ۲ قهرمانی MLS با لس آنجلس گلکسی و یک قهرمانی لیگ فرانسه با پاری سن ژرمن را نیز در کارنامه خود دارد. پس از ۱۱۵ بازی ملی و حضور در سه جام جهانی فوتبال در سال‌های ۱۹۹۸، ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶ و همچنین دو جام ملت‌های اروپا در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۴، در جولای ۲۰۱۳ از فوتبال کناره‌گیری کرد.

پنیر

حریر غریب پور

📷 harirgharibpouofficial



پای پنجره نشسته‌ایم.
زاغ پیری روی درخت دید می‌زند.
مامان رهی گوشواره‌های اجدادی را پاک
می‌کند.

توکا جون می‌گوید: رهی! یه پرنده بالای
درخته، یه چیزی به منقارشه! یه خبر خوب!
فنجان را می‌چرخاند: ولی نمی‌دونم این لکه‌ی
سفید چیه!

مامان رهی روی فنجان خم می‌شود، در آبی
زاغ گوشواره‌ها را از کفش می‌قاپد!
مامان رهی جیغ می‌کشد!
زاغ سمت درخت برمی‌گردد!
لیموآ زمزمه می‌کند: عجب فالی!
توکا جون انگشت به دهان فنجان را نگاه
می‌کند!

چشمم به لکه‌ی سفید می‌افتد!
زاغ بالای درخت است.
من پای درخت، پنیر به دست ایستاده‌ام.
لیموآ می‌خواند:

گر خوش‌آواز بودی و خوش‌خون،
نبود بهتر از تو در مرغان!

قارقار بلندی در فضا می‌پیچد...!



گلکنی نو

سیدکای



داروخانه شبانه روزی
دکتر دلیران نیا

بلوار شهدا

اوزیها

آلاله یکم

چاه محمودی

بلوار امام خمینی

دانش ۹

میدان شهدا

بلوار پاسداری

قلعه شاهلی

صفتادان

دانش ۶

دانش

بلوار طالقانی

دَلَمُو

ملیحه معلا

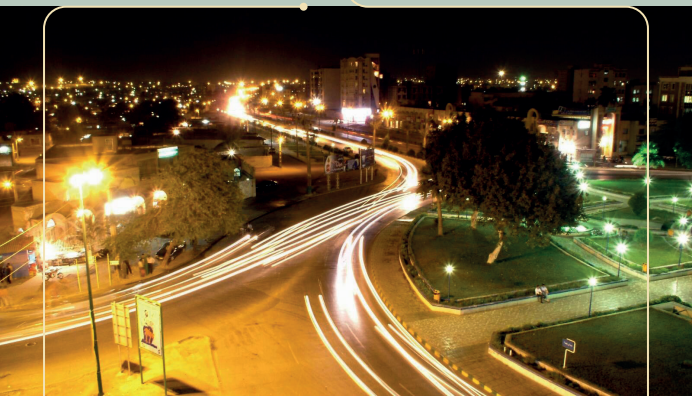
Instagram icon [malihe.moalla](https://www.instagram.com/malihe.moalla)

در استان هرمزگان، شهر بندر عباس، خیابان امام خمینی، قبل از میدان یادبود سابق و شهدای فعلی، محله‌ای هست به نام محله‌ی چاه محمودی. توی محله، که الان قسمتی از آن، یک مرکز خرید بزرگی به نام ملکه‌ی آسمان‌ها و قسمتی هم خانه‌ی مسکونی شده، قهوه‌خانه‌ای بود. عصرها توی قهوه‌خانه، چای و قهوه، قلیون، بازی ورق، بازی دومینو و تخته‌نرد برقرار بود،



بیشتر آقایان، به خصوص مسن‌ترها، در قهوه‌خانه دور هم جمع می‌شدند، دردلی می‌کردند، بازی می‌کردند، خبرهای جدید ردوبدل می‌کردند، و اوقات را با دوستان هم‌سن‌وسال، سپری می‌کردند. زمستان که می‌شد، نخود و باقلی پخته و گاهی هم کباب، اضافه می‌شد. در روزهای عادی، بیشتر مسن‌ترها در قهوه‌خانه جمع می‌شدند. ولی در ماه رمضان، جوان‌ترها هم بعد از نماز تراوی که فقط در ماه رمضان در اهل تسنن برگزار می‌شود، به قهوه‌خانه می‌رفتند و بازی خاتم می‌کردند؛ که به زبان محلی به آن بازی دَلَمُو (dallamoo) می‌گویند.

میزی وسط می‌گذاشتند، دور آن جمع می‌شدند، همه‌ی دست‌ها می‌رفت زیر میز، یکنفر انگشتی در دست داشت که می‌گذاشت تو دست نفر بعدی، بعد همه‌ی دست‌ها می‌آمد روی میز و بقیه باید حدس می‌زدند انگشت در دست کیست. در نهایت، کسی که می‌باخت، باید همه رو به شیر-چای، که آن هم



مخصوص ماه رمضان بود مهمان می‌کرد. دلمشغولی و دوره‌می خوب و کم هزینه‌ای بود. هم همدیگه رو می‌دیدند، هم سرگرمی داشتند. الان اکثراً خانه‌نشین شده‌اند. ساعت‌ها جلوی انواع اخبار تلویزیون، که بیشتر آنها را افسرده می‌کند، می‌نشینند. تمایلی به کافی‌شاپ رفتن ندارند؛ اکثراً توان اقتصادی برای این کار را هم ندارند. در نتیجه از دور هم بودن و با جمع نشستن که نیاز همه‌ی آدم‌هاست، مخصوصاً در دوره‌ی پیری، محروم هستند. این قهوه‌خانه حدود سال‌های ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۵ دایر و تا سال ۱۳۵۰ برقرار بود.

اصطلاحات کافه‌ای

فرشید قاجار قیونلو

@farchidd





شاید براتون جالب باشه بدونید که در ترکیه، اگر مشتری وارد کافه شد و گفت یه قهوه‌ی متوسط می‌خوام، یعنی چی؟

ممکنه با خودتون فکر کنید که داره به اندازه‌ی لیوان اشاره می‌کنه، از اون جایی که ممکنه کافه، فقط لیوان بیرون‌بر داشته باشه پس قطعاً باید اندازه‌ی لیوان باشه. اما نه، قهوه‌ی متوسط به قهوه‌ی ترک با دو شکر گفته می‌شه که اگر مدتی در کافه‌های ترکیه کار کرده باشید، متوجه‌ی این اصطلاح می‌شوید.

بدون شکر، کم شکر، متوسط و پرشکر از انتخاب‌هایی هست که شما می‌توانید برای قهوه‌ی تُرک‌تون داشته باشید.

درباره‌ی رایج‌ترین سفارش‌های قهوه در استانبول می‌تونم به چند مورد اشاره کنم: معمولاً در بین





کافه‌های کمی لوکس‌تر و یا حتا استارباکس، سفارش فیلترکافی، آمریکانو و لاته با شکلات سفید خیلی رایج هست. در کل، بیشتر قهوه رو تلخ دوست دارن اما؛ قهوه تلخ نیست!



حادثه جو

مزدک علی نظری

 mazdak.ali



یکی از چالش‌های پژوهش درباره‌ی خرده‌فرهنگ‌ها و مردم‌نگاری، ورود و پذیرفته‌شدن شخص محقق در جامعه‌ی هدف است. در نخستین رونمایی کتاب حادثه‌جو که در سالنی حوالی محل زندگی امین آقا فرزانه برگزار شد، هم شاهد بودیم که استفاده من

از واژه‌ی «یاغی» با اعتراض تند بعضی حضار و به‌ویژه یکی از ورزشکاران پارالمپیک مواجه شد. در حالی که از واژه‌ی یاغی حتا برای توصیف خودم هم استفاده کرده بودم، اما بعد از اعتراض‌ها متوجه شدیم که برداشت افراد این محله به خاطر سریال یاغی منفی است.

اما به هر حال سعی کردم در چند جمله فرق یک واژه‌ی تثبیت‌شده در زبان فارسی، با نام یک سریال اینترنتی را توضیح بدهم. البته انتقادها از هر دو طرف است و جالب اینکه تا اینجا اکثر حمله‌ها به کتاب از طرف «منسویین به قشر فرهنگی» بوده که اصلاً نوشتن درباره‌ی خرده‌فرهنگ لات‌ها را گناه کبیره می‌دانند و فکر می‌کنند با نادیده‌گرفتن آن‌ها معضلات کشور حل می‌شود. خلاصه این روزها مجبورم مدام تکرار کنم که: لطفاً قبل از انتقادکردن، لااقل کتاب را بخوانید!



The Avant-garde style

فرناز گسیلی

📷 farnazgosili



جنبش هنری آوانگارد در اواخر قرن نوزدهم در فرانسه، به سرعت به هنرهای مختلف از جمله معماری وارد شد و سبک‌های مختلف مدرن متولد شدند و معماری به شکل امروزی شکل گرفت.

برای آوردن تم آوانگارد به دکوراسیون، از ترکیب درست عناصر مختلف با مقیاس مناسب، در کنار حفظ هندسه‌ی ساده استفاده می‌شود. نحوه‌ی طراحی، توجه به جزئیات و ترکیب جسورانه‌ی رنگ‌ها، نقش اصلی را در پیاده‌کردن کانسپت آوانگارد در فضا بازی می‌کنند. همچنین سیاه و سفید از پالت‌های رنگی جذاب در این سبک است.







در چیدمان فضای آوانگارد هر ترکیب جدید و کمتر دیده شده، می تواند همان چیزی باشد که نیاز است. نورپردازی به صورت طبیعی و مصنوعی بر اجزای خاص فضا، تأکیدی بر ویژگی های هنر آوانگارد است.





شماره‌ی
چهل و چهار،
چهل ساله شد!

علیرضا انوشفر

📷 alirezaanooshfar

شماره‌ی ۴۴ کنونی فرمول یک، در آستانه‌ی چهل‌مین سالگرد تولدش، پس از دوازده سال رانندگی برای تیم مرسدس آم‌گ پتروناس به تیم اسکودریا فراری، پرافتخارترین تیم فرمول یک پیوست.



نتیجه‌ی دوازده سال همکاری همیلتون و
مرسدس، ۸۴ برد، ۱۴۶ حضور روی سکو
و شش قهرمانی جهان بود که اگر اولین
قهرمانی او و دیگر افتخاراتش در تیم
مکلارن را که با موتور مرسدس مسابقه
می‌داد به آن اضافه کنیم، متوجه می‌شویم
چرا مرسدس در پایان فصل ۲۰۲۴ یکی از
چشم‌گیرترین کمپین‌های خداحافظی را
برای لوئیس همیلتون برگزار کرد.



حال دوست داران همیلتونِ چهل ساله امید دارند تا امسال راندهی با تجربه و محبوبشان سوار بر اسب سرکش فراری، قهرمانی هشتمش را رقم بزند، اما این امید تا چه اندازه دستیافتنی و واقع بینانه است؟ جواب آن در فصل ۲۰۲۵ که از میانهی ماه مارس آغاز می شود نهفته است.



بنیانگذاران استودیو جیبلی

پرهام سلیمی

Instagram: [parhamsalimi988](https://www.instagram.com/parhamsalimi988)





هایائو میازاکی: فیلمساز افسانه‌ای، انیماتور و یکی از بنیانگذاران استودیو جیبلی، به خاطر شاهکارهایی مانند همسایه‌ی من توتورو، شهر اشباح و پرنسس مونونوکه شناخته می‌شود. آثار او به دلیل داستان‌سرایی، مضامین محیطی و شخصیت‌های قوی شهرت دارند.

ایسائو تاکاهاتا: او کارگردانی فیلم‌های صمیمانه‌ای مانند قبر کرم شب‌تاب و فقط دیروز را بر عهده داشت. سبک او در مقایسه با آثار خارق‌العاده‌ی میازاکی اغلب مبتنی بر تجربه بود.

توشیو سوزوکی: سوزوکی، تهیه‌کننده و یکی از

بنیانگذاران، نقش مهمی در موفقیت استودیو جیبلی ایفا کرد. او در مدیریت استودیو و تبلیغ فیلم‌های آن در سراسر جهان نقش مهمی داشت.

این افراد پایه و اساس استودیو جیبلی را گذاشتند و آن را به یک پدیده جهانی و نمادی از انیمیشن هنری تبدیل کردند.



کشتزار

مریم آقایی

maryamaghaei_b



این تصویر، صدای صبر است؛
صدای زمین؛ صدای زنی که امید
دارد؛ صدای زنی که منتظر است برای
رویشی دوباره و بهاری که در راه است.
در پاییز و زمستان، شالیزارها خالی‌اند،
اما نه خالی از امید. زمین در حال نفس
کشیدن است و می‌خواهد جانی تازه
کند. آب باران که بر سطح زمین جمع
می‌شود، آینه‌ای می‌سازد تا آسمان
پاییزی و زمستانی را در خود منعکس
کند. اینجا، در این سکوت آرام، زمین
در حال استراحت است، منتظر است
تا نیروی تازه برای فصل شکوفایی
بیابد. شالیزارهای برهنه با بوی خاک
مرطوب و سرمای زمستانی، وعده‌ای
از حیات دوباره در خود دارند. دل‌های
کشاورزان همچنان با زمین است، آن‌ها
منتظرند؛ منتظر روزهایی که دوباره
دستان‌شان خاک را لمس کند، مرز بگیرند
و نشاکنند تا زمین دوباره سبز شود.
جاده‌ای باریک و خاکستری که در میان
درختان بلند و بی‌برگ پیچ‌وتاب می‌خورد،
همچنان خیس از باران است. بوی

خاک نم خورده و عطر برگ‌های باران زده به مشام می‌رسد. در کنار جاده، زنی با چادری به کمر بسته، آرام قدم می‌زند. گام‌هایش آهسته‌اند و پر از اطمینان؛ انگار با هر قدم، رازهایی که در این جاده نهفته است را از دل زمین بیرون می‌کشد. او بخشی از این منظره است، انگار خودش را به آهنگ زندگی اینجا سپرده است، جایی که عجله معنایی ندارد. چشمانش به شالیزارهای خالی دوخته شده، جایی که تا چند ماه دیگر، با دستان همین زنان و مردان، جان تازه‌ای خواهد گرفت. این زن که شاید سال‌ها تجربه کاشت و برداشت دارد، می‌داند که زمین هیچ‌گاه خالی از امید نمی‌ماند. او و زمین هر دو منتظرند؛ منتظر اولین روزهای بهار، وقتی که شالیزارها از سکوت خارج می‌شوند و آواز زندگی را سر می‌دهند. سکوت در زمستان به معنای ناامیدی نیست؛ این سکوت سرشار از سرزندگی و امید است.

زبان رنگ‌ها

اورانوس افشاریان

📷 oranous_afshariyan

رنگ‌ها زبان خاموشی هستند که در سکوت، هزاران معنا را بازگو می‌کنند. از گذشته، انسان‌ها از رنگ‌ها برای بیان هویت، فرهنگ، و باورهای خود استفاده کرده‌اند. رنگ‌ها در معماری، نه تنها بازتاب‌دهنده‌ی ذوق و زیبایی‌شناسی جوامع، بلکه حامل پیام‌هایی از تاریخ و جغرافیای آن‌ها هستند. در این میان، درهای شهرهای تونس نمونه‌ای برجسته از ترکیب هنری و فرهنگی‌اند که هر رنگ آن روایتی منحصر به فرد از محیط و باورهای مردم این سرزمین را بازگو می‌کند.

شهرهایی مانند سیدی بوسعید، مدینه تونس، و مناطق دیگر این کشور، با درهایی به رنگ‌های آبی، سفید، و زرد، هویتی بصری را شکل داده‌اند که هم چشم‌نواز و هم معنادار است. اما چرا این رنگ‌ها انتخاب شده‌اند؟ چه پیوندی میان این انتخاب‌های هنری و زندگی روزمره، تاریخ، و طبیعت تونس وجود دارد؟

با تحقیقی که من انجام دادم، رنگ درهای تونس هر یک دارای معنایی مشخص و ریشه‌ای عمیق در فرهنگ و محیط این کشور



هستند. این رنگ‌ها به دلایل گوناگون از جمله تأثیرات تاریخی، باورهای سنتی، و شرایط جغرافیایی انتخاب شده‌اند و ترکیب آن‌ها نه تنها زیبایی‌شناسی خاصی به معماری محلی بخشیده، بلکه به نمادی فرهنگی تبدیل شده است.



رنگ آبی:

ارتباط با دریا: شهرهای ساحلی مانند سیدی بوسعید با دره‌ایی به رنگ آبی، ارتباط خود با دریا و آسمان را به تصویر می‌کشند.

این رنگ تداعی‌کننده‌ی آرامش و پیوند با طبیعت است.

دفع حشرات: از نظر کاربردی، باور بر این است که رنگ آبی حشرات را از ورودی خانه‌ها دور نگه می‌دارد.

حس معنوی: آبی نمادی از آرامش درونی و معنویت است، که با فضای تاریخی و فرهنگی این مناطق همخوانی دارد.

رنگ سفید:

بازتاب نور: در اقلیم گرمسیری تونس، سفید به‌عنوان رنگی که نور خورشید را بازتاب می‌دهد،



انتخابی عملی است.

نماد پاکیزگی: سفید در فرهنگ تونس، نشان دهنده‌ی سادگی، خلوص، و نظم است.

رنگ زرد:

تمایز و برجستگی:

درهای زرد معمولاً برای ورودی‌های خاص یا ساختمان‌هایی با

اهمیت مذهبی یا تاریخی استفاده می‌شوند.



گرمای رنگ: این رنگ، با تضادی جذاب، گرمایی بصری به محیط می‌بخشد و معماری سنتی را برجسته‌تر می‌کند.

ترکیب رنگ‌ها:

رنگ‌های آبی، سفید، و زرد در کنار هم بازتاب‌دهنده‌ی هویتی بصری هستند که طبیعت، تاریخ، و فرهنگ تونس را به نمایش می‌گذارند. این درها نه تنها بخشی از زیبایی معماری شهرهای تونس هستند، بلکه نقشی در تعریف هویت ملی و معرفی این کشور به جهان ایفا می‌کنند.



میراثِ زریاب

کاوه صادقی آزاد

📷 kavehsadeghiasad





زریاب یا «پرنده‌ی سیاه» نام مستعار علی ابن نافع، موزیسین ایرانی دربار و خواننده‌ی بی نظیری که در قرن نهم میلادی می‌زیست. او به فراگیری موسیقی و ساز عود در بغداد پرداخت که در آن زمان قطب موسیقی و هنر بود؛ البته از آنجا که معلم موسیقی‌اش (اسحاق موصلی) به استعداد خارق‌العاده‌ی او در موسیقی حسادت می‌ورزید مجبور به مهاجرت ناخواسته شد و به دربار شاهان اسلامی در جنوب اسپانیا نقل مکان کرد و به اسطوره‌ای در تاریخ موسیقی جهان بدل شد.

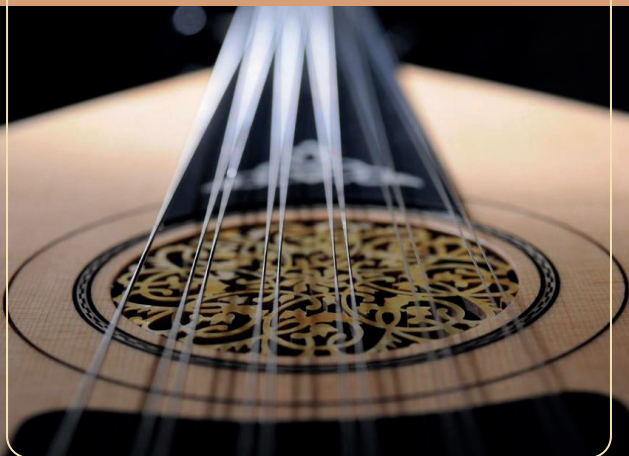
میراث موسیقایی زریاب

زریاب یکی از اولین کالج‌های موسیقی در اروپا را راه‌اندازی کرد. در این کنسرواتوار سبک‌های مختلف و جدید موسیقی و تجربه‌های صوتی نو تحت تشویق و حمایت قرار می‌گرفت. او تلاش‌های بسیاری در شناساندن سازها، آوازها و رقص‌های موجود در خاورمیانه به هنرمندان نمود و آن‌ها را با موسیقی کولی‌های اسپانیا تلفیق کرد. ظهور رقص فلامنکو از این دوره به بعد است.

بنای یادبود زریاب در کوردوبا (اسپانیا)



زریاب هشت پسر و دو دختر داشت که همگی موزیسین‌های بزرگی بودند و هنرپدرشان را در سراسر اروپای قرون وسطی پخش کردند و تأثیر بسزایی بر موسیقی خنیاگرها و نوازندگان دوره‌گرد داشتند. [ادامه دارد]



A close-up portrait of actor Farzad Farbod with a prominent mustache and dark hair, looking directly at the camera with a serious expression. The background is a soft, out-of-focus grey.

ONE HUNDRED YEARS OF SOLITUDE

صد سال تنهایی

فرزاد فربد

 farzad.farbod

ژانر: رئالیسم جادویی

براساس رمانی از گابریل گارسیا مارکز

بازیگران: دیه‌گو واسکز، مارلیدا سوتو، کلادیا کاتانو و ...

فصل اول - ۸ قسمت

(ادامه دارد: فصل دوم هم ۸ قسمت)

سال پخش: ۲۰۲۴





خوزه آرکادیو و اورسولا برخلاف نظرات مخالف ازدواج می‌کنند و روستایشان را ترک می‌کنند تا راهی سفری طولانی شوند تا خانه‌ای جدید برای خود بنا کنند. در نهایت در کنار دوستان و ماجراجویانی که همراهشان شده‌اند به مکانی می‌رسند تا شهر رؤیایی خود را آنجا بنا کنند، آرمان‌شهری در کرانه‌ی رودی باستانی که نام ماکوندو را بر آن می‌گذارند. در ادامه‌ی داستان شاهد زندگی و تجربیات فرزندان



آن‌ها در این شهر مرموز خواهیم بود. سریال که براساس رمان معروف مارکز (برنده‌ی نوبل ادبیات ۱۹۸۲) ساخته شده، البته به پای رمان عظیم مارکز نمی‌رسد ولی اگر آن را موجودیتی مستقل بدانیم اثری جذاب، چشم‌نواز و دوست‌داشتنی است. همین مسئله‌ی اقتباس و میزان وفاداری به اثر اصلی باعث نظرات بسیار متفاوتی بین دوستداران مارکز و اهل ادبیات و سینما شده است.



TIN
TIN
Museum

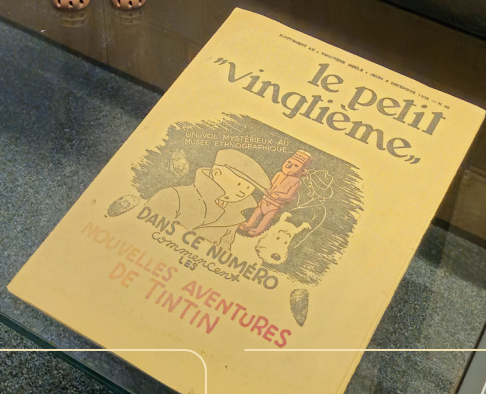
تن تن و هومن

هومن جلالی

hoomanio

تن تن و سگ وفادارش میلو، دهم ژانویه ۱۹۲۹ توسط کارتون‌نویست بلژیکی، ژرژ رمی با امضای هرژه متولد شدند. تن تن، یکی از محبوب‌ترین شخصیت‌های کتاب‌های مصوّر در قرن بیستم بود. تن تن خبرنگار جوانی است که ماجراهای هیجان‌انگیز زیادی را تجربه می‌کند.







به تدریج شخصیت‌های دیگری همچون کاپیتان هادوک و پرفسور تورنسل نیز با او همراه شدند. ماجراجویی‌های تن‌تن و میلو در بیست‌وسه کتاب ادامه یافت و کتاب بیست‌وچهارم با



مرگ هرزه ناتمام ماند. آخرین ماجرای او، تن تن و پیکارها بود. بنا به وصیت هرزه، ماجراهای تن تن و میلو بعد از مرگ او ادامه نیافت. تن تن به کشورهای زیادی سفر کرد و شاید اگر ماجراهایش ادامه می‌یافت، او به ایران هم سر می‌زد.

موزهی هرژه، سال ۲۰۰۹ در شهر لوون لنوو افتتاح شد. این موزه در سه طبقه، شامل هشت گالری، زندگی و آثار او را به نمایش می‌گذارد که بخش بزرگی از آن به ماجراهای تن‌تن و میلو اختصاص دارد. آدرس موزه به احترام آدرسی که تن‌تن در کتاب‌ها داشت: «Rue du Labrador, 26» است.



کوتوله‌ها و درازها

سید ابراهیم نبوی

📷 seyedebrahimnabavi

«آقای نویسنده کشته شد.
با دقت تمام پرونده‌اش را پیگیری کردند.
به سرعت قاتلش رو دستگیر کردند.
به شدت قاتلش رو اعدام کردند.
برای نویسنده مراسم بزرگداشت برگزار کردند.
عکس نویسنده رو بزرگ کردند
و روی همه دیوارهای شهر چسبوندند.
مجسمه نویسنده رو گذاشتند وسط شهر.
اسم یک بزرگراه رو هم به اسم اون کردند.
اما اجازه چاپ کتابش رو نداند.»





کافی‌شات
به‌جز دو نشانی بالا، شعبه‌ی دیگری ندارد!